



بررسی جرم قاچاق انسان از دیدگاه نظام حقوقی ایران و حقوق بین الملل

سمیه موذنی^۱، محمدموذنی^۲

۱- آموزشکده فنی و حرفه ای سما، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کازرون، کازرون، ایران

۲- آموزشکده فنی و حرفه ای سما، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کازرون، کازرون، ایران

s2007moazzeni@gmail.com

خلاصه

امروزه از جرم قاچاق انسان به "برده داری نوین" یاد می شود این امر باعث تأسف عمیق است که در عصر کنونی با وجود پیشرفت های خیره کننده علمی در تمامی عرصه ها، هنوز شاهد بردگی در جهان هستیم. هم اکنون شاهد بدترین نوع برده داری یعنی «برده داری جنسی» هستیم که در آن زن ها، دختران و کودکان بیگانه عمده ترین هدف قاچاقچیان انسان هستند. در این مقاله به شناسایی قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان، تحلیل و ارزیابی اسناد بین المللی، قوانین داخلی و ارائه راه کارها در جهت ریشه کن شدن قطعی جرم قاچاق انسان می باشد.

کلمات کلیدی: قاچاق انسان، برده داری، جرم بین المللی، آدم ربایی.

۱. مقدمه

در اواخر قرن ۱۹ و ۲۰ پس از قرن ها شاهد ملغی شدن بردگی بودیم و اما همچنان برخی از ابعاد و رویه های مشابه آن باقی مانده است. از آغاز سده ی بیستم چندین سند بین المللی برای پیشگیری از قاچاق زنان و کودکان تدوین و مورد تصویب بعضی از دولت ها قرار گرفته اند. اما هیچ یک از آن اسناد بین المللی که تا پیش از پروتکل پیش گیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان به تصویب رسیده اند نتوانسته اند موفقیتی اساسی و چشمگیر در سرکوب یا پیش گیری از این جرم داشته باشند که عمده ترین مانع دستیابی آن ها به اهداف، ضعف های موجود در اسناد بود. طبیعتاً پروتکل ۲۰۰۰ و هر گونه سند بین المللی دیگری که برای سرکوب قاچاق اشخاص تدوین گشته یا تدوین خواهد شد، برای اجرای خویش به قوانین داخلی دولت ها باید تکیه کند. بنابراین، در ایران با تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ گام بزرگی در جهت رفع خلاءهای قانونی موجود در این مورد برداشته شد.

۲. برده داری و قاچاق انسان

واژه برده «Slave» از ریشه اسلاو «Slav» است؛ نام قومی و اجدادی گروهی از مردم اروپای مرکزی و شرقی که از قرن پنجم تا سیزدهم به شدت و به کرات مورد حمله قرار می گرفتند و به بردگی گرفته می شدند. معادل واژه برده تقریباً در تمامی زبان های هندواروپایی برگرفته از «اسلاو» است.

۱.۲. برده داری در قرون باستان

تمامی امپراتوری های بزرگ و تمدن های عالی دنیای باستان همچون روم، مصر، یونان، ایران، چین، و حتی سرخپوستان بدوی قاره ی آمریکا به نوعی مبتلا به نظام برده داری تبعیض آمیز بوده اند که البته در کمیت و کیفیت این مساله با یکدیگر تفاوت هایی داشته اند. به گفته ویل دورانت در کتاب



«تاریخ تمدن»، همه دولت های باستانی در نظام بردگی مشترک بوده اند. نظام برده داری در ایران باستان نیز همچون دیگر ملل و حکومت های باستانی حقیقتی انکارناپذیر است، با این تفاوت که در زمان کورش پادشاه هخامنش برده داری به کلی لغو شده بود.

۲.۲. برده داری در قرون وسطی

برده داری در قرون وسطی هم با شدت بیشتری رواج داشت و می توان معلول ۴ عامل زیر دانست:

۱.۲.۲. توسعه ی بازرگانی و دریانوردی کشور پرتغال

امیر پرتغال ملقب به «هانری دریانورد»، در مسیر ساحل اقیانوس اطلس به سمت آفریقا، به علت تسلط بر راه های آبی به خرید و فروش برده روی آوردند و تا سال ۱۷۲۶ میلادی در شهرهای لیورپول، لندن و بریستول مجموعاً ۱۷۰ کشتی مخصوص تجارت برده در اختیار داشتند.

۲.۲.۲. کشف قاره ی آمریکا

کریستف کلمب برای کشورهای فرانسه، اسپانیا و انگلیسی مستعمرات جدیدی بدست آورد. از طرفی چون آب و هوای مناطق جنوبی قاره آمریکا، برای سفیدپوستان قابل تحمل نبود؛ اروپاییان را به این فکر واداشت که از نقاط مختلف آفریقا برده هایی جهت کار در آن مناطق استفاده کنند. در نتیجه به خاطر رفتار بدی که با بردگان صورت می گرفت سرانجام حقوق دانان و روشنفکران در قرن ۱۵ شروع به مبارزه علیه بردگی کردند.

۳.۲.۲. وقوع انقلاب صنعتی در اروپا

انقلاب صنعتی باعث پیشرفت اروپاییان گردید. حس برتری نژادی (نژاد سفید) بیش از گذشته در آن ها شکل گرفت.

۴.۲.۲. عقاید رهبران کلیسا

متأسفانه گستره ی نظام برده داری به قدری عظیم بود که حتی کلیسا نیز مصون از این قضایا قرار نگرفت و در آن جا نیز تبعیض نژادی رواج پیدا کرده بود.

۳.۲. برده داری معاصر

با رشد روزافزون علوم و توسعه ارتباطات بین ملت ها و فرهنگ ها به مرور این فکر را در ذهن توده مردم و روشنفکران رواج داد که استعمار عده ای برای ثروتمند شدن، آن هم به بهانه ی رنگ پوست، اختلافات نژادی، فرهنگی و یا اقتصادی، کاری غیراخلاقی است و باید برچیده شود. عده ای در قرن ۱۸ به مخالفت با برده داری پرداختند و همزمان با این مخالفت ها در سال ۱۷۸۹ میلادی انقلاب کبیر فرانسه به وقوع پیوست. دولت فرانسه کنوانسیون بردگی را در تمام مستعمرات فرانسه لغو نمود. الغاء برده فروشی در آمریکا به سهولت انجام نگرفت. زیرا اولاً بردگی در حدود سه قرن در آمریکا ادامه داشت و دوم این که اقتصاد ایالت های جنوبی آمریکا که به کشت پنبه و نیشکر می پرداختند، وابسته و مربوط به کار بردگان سیاه بود و بدون وجود بردگان مشکل بسیار مهمی پدیدار می شد.

۴.۲. تجارت انسان در ایران



در بهمن ماه ۱۳۰۷، قانون منع خرید و فروش برده در خاک ایران و آزادی برده در موقع ورود به مملکت به تصویب رسید و در تاریخ ۱۰ اسفند ماه ۱۳۳۷، قانون مربوط به الحاق دولت ایران به قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده فروشی و عملیات و دستگاه های مشابه بردگی با یک مقدمه و ۱۵ ماده به تصویب رسید. (مجموعه قوانین سال ۱۳۳۷ هجری خورشیدی). در کشور ایران، نخستین گزارش قاچاق، در سال ۱۳۴۰ ارائه شده است. در آن سال ماموران مرزی ایران، مرد عربی را که قصد خروج از ایران داشت، در نقطه ای ممنوعه دستگیر کردند. به همراه این مرد یازده زن و دختر جوان ایرانی بودند که بعد از تحقیق معلوم شد وی این افراد را از نقاط مختلف کشور جمع آوری نموده و قصد داشته است تا با خروج از ایران، آن ها را در برخی کشورهای عربی بفروشد. همچنین گزارش های دیگری از فروش دختران توسط پدر خانواده در سال های ۱۳۴۳ توسط آقای منصور راستین به ثبت رسیده است. این معضل بر اثر برخی عوامل تاکنون ادامه داشته و متأسفانه در سال های اخیر گسترش یافته است.

۳. تعریف قاچاق انسان

در پروتکل پالمو ۲۰۰۰، دربند (a) ماده ی سوم، قاچاق زنان بدین ترتیب تعریف شده است: "استخدام، انتقال، پناه دادن یا گرفتن اشخاص با رفتار تهدیدآمیز با استفاده از زور یا با استفاده از سایر اشکال اجبار از قبیل ربودن، تقلب، اغفال، سوء استفاده از قدرت یا از یک موقعیت آسیب پذیری یا پرداخت و دریافت منع یا سودی برای دستیابی به رضایت یک شخص برای کنترل بر سایر اشخاص با هدف بهره برداری و استثمار است". طبق تعریف پروتکل بهره برداری و سوءاستفاده می تواند متضمن سوءاستفاده جنسی، کار اجباری، برده داری یا رویه های شبیه به آن باشد. نکته ی مهمی که این پروتکل به آن اشاره می کند این است که رضایت قربانی قاچاق انسان به منظور سوءاستفاده ی جنسی از وی نمی تواند عاملی برای نادیده گرفتن جرم قاچاق انسان باشد. زیرا کار جنسی ذاتا بهره کشانه است بنابراین، رضایت یا کنترل زن بر وضعیت خودش هیچ اهمیتی ندارد. عوامل بروز و گسترش پدیده قاچاق انسان یکی از مهم ترین عوامل گسترش مساله قاچاق، پدیده جهانی شدن و تبعات ناشی از آن از جمله سهولت جابه جایی کالا، افراد و خدمات در مرزهای کشورها است. فقر، نابرابری، مناقشات مسلحانه یا مشکلات داخلی نیز از دیگر عوامل زمینه ساز این پدیده است.

۴. تفسیری بر « قانون مبارزه با قاچاق انسان و پروتکل پالمو ۲۰۰۰ »

با توجه به اهمیت قانون مبارزه با قاچاق انسان و تأثیری که می تواند در پیشگیری و سرکوب قاچاق انسان در ایران داشته باشد لذا به ارزیابی آن می پردازیم: ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان به تعریف قاچاق انسان می پردازد تعریف ارائه شده در این ماده با تعریفی که در پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان مصوب ۲۰۰۰ پذیرفته شده یکسان است. شباهت زیاد پروتکل با تعریف قانون مذکور نشان دهنده ی این مطلب است که با وجودی که ایران پروتکل ۲۰۰۰ را امضاء نکرده و آنرا نپذیرفته ولی تا حد زیادی تعریف آن را مورد پذیرش قرار داده است. گرچه تعریف پروتکل ۲۰۰۰ بسیار کامل تر می باشد و همه موارد ممکن بهره کشی از افراد قاچاق شده را مدنظر قرار داده است. نکته ی مثبت این دو در این است که در هر دو تعریف هم به مقاصد بهره کشی جنسی و هم به مقاصد غیرجنسی پرداخته است. در قانون فوق هم به اجبار و تهدید و هم به خدعه و نیرنگ توجه خاص داشته است لذا اگر قاچاق به هر دو قصد چه قصد جنسی چه غیر جنسی از قربانی باشد این قانون هر دو را تحت پوشش قرار می دهد و مجرمانه محسوب می شود. در این قانون رضایت فرد قاچاق شده تأثیری در مجرمانه بودن یا نبودن آن ندارد و در هر دو صورت این عمل مجرمانه می باشد زیرا ممکن است با اغفال فرد قربانی رضایت وی جلب شده باشد.

در بند ب ماده ی ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان بهتر بود قانون گذار تأکید و صراحت بیشتری در این رابطه به خرج می داد زیرا اضافه کردن این بند به ماده ی ۱ به دلیل این است که گستره ی جرم قاچاق انسان افزایش داده شده است که برای پوشش دادن بیشتری موارد قاچاق می باشد پس بنابراین اگر قاچاق به یکی از مقاصد مندرج در ماده ی مذکور باشد حتی با رضایت قربانی صورت گیرد در مجرمانه بودن آن تأثیری ندارد. گرچه جملات " وارد کردن یا وارد ساختن " هر دو از افعال متعددی هستند اما؛ با توجه به این که قاچاق انسان هم از یک نقطه واقع در قلمرو گمرکی کشوری آغاز و در نقطه ی دیگری واقع در داخل کشور دیگری خاتمه می یابد؛ بنابراین استعمال جمله " وارد کردن " مستعمل و متناسب و دارای سابقه و هنجار



می باشد. بین اجبار و ترانزیت مجاز افراد به قصد فحشاء یا... سازگاری وجود ندارد زیرا در این حالت فرد قاچاق شده عملاً تن به قبول موضوع جرم داده است که با اجبار اعم از مادی یا معنوی آن مغایرت دارد.

تئوری درونی، در قانون مورد بحث (مواد ۱ و ۲) به لحاظ اهمیت جرم و آثار آن، قانون گذار از تئوری درونی استفاده نموده یعنی مقنن اعمالی را که مبین اراده ی جازم و قطعی مرتکب یا گروه یا دسته در ارتکاب جرم دانسته، قابل تعقیب و مجازات قلمداد نموده زیرا؛ اعتقاد دارد که مرتکب این فاصله ی کوتاه را به سرعت طی و عملی خواهد نمود. (نظیر ماده ی ۵۶۱ قانون مجازات اسلامی) بر همین مبنا رضایت مجنی علیه را مؤثر در موضوع ندانسته است. در ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق انسان تشکیل یا اداره دسته یا گروه با اهداف مندرج در ماده ی ۱ و نیز عبور افراد به قصد فحشاء و غیر آن را حتی با رضایت قربانی در حکم قاچاق انسان می داند. نکته ی قابل بحث در بند الف جرم این ماده را در حکم شروع به جرم دانسته نه خود جرم. و بعد در بند ب به بحث رضایت قربانی پرداخته لذا بهتر بود این بحث در ادامه ی تعریف قاچاق انسان ذکر می شد همان گونه که در پروتکل ۲۰۰۰ هم، در بحث تعریف قاچاق ذکر شده، اما این قانون در یک بند جداگانه به آن پرداخته است.

در ماده ۳ اقدام به احاله نموده، مثل ماده ی ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی ناظر بر آدم ربایی و در تبصره ی ۱ آن حکم نموده در صورتی که عمل قاچاقچی (تجارت قاچاق انسان) از مصادیق محاربه و افساد فی الارض باشد (ماده ی ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی) مجازات مرتکب مطابق یکی از حقوق چهارگانه ذیل ماده ی ۱۹۰ قانون مجازات اسلامی یعنی: ۱- قتل ۲- آویختن به دار ۳- اول قطع دست راست و سپس پای چپ ۴- نفی بلد خواهد بود که وصف شخص حقیقی دارد (بند اول ماده ی ۶ قانون آیین دادرسی کیفری) که با اعمال این مجازات ها در خصوص سازمان یا گروه یا دسته مشکله به دلیل فقدان اراده ی مستقل عقلاً ممکن و مقدر نیست مگر تعطیل آن ها و یا لغو مجوز تاسیس و یا اخذ جزای نقدی. در ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان گرچه در قانون دیگر جرمی با عنوان خاص قاچاق انسان این عنوان مجرمانه را نداریم ولی موارد مشابه ی دیگری در قانون در ارتباط با این جرم وجود دارد از جمله آدم ربایی، افساد فی الارض و... مخصوصاً در بحث جرم آدم ربایی بسیار مشابه قاچاق انسان می باشد و تفاوت اساسی که این دو با یکدیگر دارند در این است که در جرم قاچاق انسان مجنی علیه یا قربانی، ممکن است هم اراده و هم رضایت داشته باشد و ممکن است مجنی علیه یا قربانی جرم، اراده نداشته باشد و هم چنین رضایت هم نداشته باشد که در این صورت که مجازات و حتی جرم تلقی شدن این عنوان مجرمانه، تاثیری ندارد و جرم قاچاق انسان تلقی می شود؛ ولی در جرم آدم ربایی، مجنی علیه یا قربانی جرم، هرگز اراده ندارد بنابراین در صورتی که مجنی علیه، اراده داشته باشد عنوان مجرمانه تلقی نشده و جرم آدم ربایی نمی باشد.

در ارتباط با موردی که در ماده ۳ قانون مذکور تصریح شده یعنی اگر عمل مرتکب قاچاق انسان از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد، طبق همان قانون با آن برخورد می شود. " این در حالی است که در خصوص این عنوان مجرمانه، هیچ عنوان قانونی در قوانین کنونی ایران وجود ندارد، مگر در خصوص قاچاق مهاجران که بحث قاچاق مهاجران با قاچاق انسان کاملاً متفاوت در دو عنوان مجرمانه جداگانه است. " کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته ی فراملی مصوب ۲۰۰۰ در پالمو نیز سه پروتکل الحاقی دارد که یکی از این پروتکل ها در خصوص قاچاق مهاجران می باشد. " حتی در اسناد بین المللی هم میان این دو عنوان تفاوت وجود دارد؛ زیرا قاچاق مهاجران با میل و تمایل افراد صورت می گیرد و خود آنان مایل هستند به کشور مقصد برسند. از این رو، پولی به قاچاقچیان می پردازند و به کشور مقصد رسانده می شوند و آنان در آن جا به حال خود رها می شوند و قاچاقچیان دیگر با آن ها کاری ندارند و قصد بهره کشی و یا غیرجنسی در آن جا مطرح نیست. "

"در بحث قاچاق انسان مساله کاملاً متفاوت است و قاچاق برای مقاصد بهره کشی جنسی و یا غیر جنسی است و معمولاً باندهای قاچاق به قربانیان پولی را می پردازند تا آن ها را تطمیع کنند که به خارج از کشور برده شوند. " این مجازات (جزای نقدی) در خصوص قاچاق مهاجران که "متأسفانه این دو عنوان مجرمانه با هم خلط شده است، مگر این که عنوان قانون تغییر کند که این چندان مطلوب نیست؛ زیرا بحث مهاجرت غیر قانونی برای کشورهای در حال توسعه چندان اهمیت ندارد که بر آن تکیه شود و بدین ترتیب از اهمیت قاچاق انسان کاسته می شود و بحث مهاجرت غیر قانونی برای کشورهای مقصد همانند کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی بیشتر نگران کننده است و آن ها هستند که بیشتر به دنبال سرکوب مهاجرت غیر



قانونی می باشد. مساله ی بسیار مهم برای کشورهای در حال توسعه، یعنی کشورهای مبدا، مساله قاچاق انسان است که زنان و دختران این کشورها به خارج از کشور قاچاق می شوند و مورد سوءاستفاده قرار می گیرند."

در برخی از مواد این قانون به دلیل تاکید بر مساله مهاجرت غیرقانونی از اهمیت و تمرکز برمساله قاچاق انسان کاسته شده و این را می توان یکی از نکات ضعف قانون دانست. در تبصره ی ۱ ماده ی ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان چنان چه قربانی زیر ۱۸ سال باشد حداکثر مجازات در نظر گرفته شده است و مجازات آن را تشدید کرده است که این یکی از نکات مثبت این قانون می باشد که اگر فرد قربانی کودک باشد قاچاقچیان به حداکثر مجازات یعنی ده سال حبس محکوم می شوند که در بسیاری از کشورهای جهان هم وضعیت بدین گونه است و همگام با تعهدات ایران براساس کنوانسیون حقوق کودک نیز می باشد. در تبصره ی ۲ ماده ی ۳ قانون مذکور بحث شروع به جرم است و این به خاطر نکته سنجی قانون گذار می باشد که توجه به بحث شروع به جرم کرده و برای آن مجازات تعیین کرده است تا مرتکبینی که قصد دارند به این عمل ناپسند دست بزنند، بترسند و منصرف شوند. باید مشخص شود که صرف تشکیل دسته و گروه در بند الف ماده ی ۲ قانون مذکور جزء این تبصره می باشد و یا مجازات جرم اصلی را دارد زیرا این یکی از نکات مهم قانون می باشد. در حالی که در اسناد بین المللی، این دو مساله با هم فرق دارند که در این قانون، به آن توجهی نشده است. تبصره ۳ ماده ۳ قانون فوق در ارتباط با مجازات و تعیین جرم معاونت می باشد و چنان چه در ماده ۷۲۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ مجازات معاونت در جرایم تعزیری را "حسب مورد... حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم" می داند، و این بحث ارزش عملی دارد. در قانون مجازات اسلامی به موجب ماده ۴۳ معاون جرم، قابل تعزیر بود، این بحث اثر عملی قابل توجهی نبود چرا که قاضی می توانست، با در نظر گرفتن همه ی شرایط و اوضاع و احوال و هم چنین تصور معاون در مورد نوع جرم، مجازات متناسب وی را تعیین کند و در تبصره ۲ ماده ۴۳ ق. مجازات اسلامی ذکر شده در صورتی که برای معاونت جرمی، مجازات خاص در قانون یا شرع وجود داشته باشد؛ همان مجازات اجرا خواهد شد. لذا در تبصره ۳ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان مجازات معاون جرم قاچاق انسان را به میزان دو تا پنج سال حبس حسب مورد و نیز جزای نقدی معادل وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده ی پرداخت آن به مرتکب داده شده است، تعیین کرده است.

در ماده ۴ قانون مبارزه با قاچاق انسان برای کارکنان دولت و قوای سه گانه درگیر در این جرم، انفصال موقت یا دائم از خدمت را پیش بینی کرده است که شاید بهتر بود میان افرادی که جز نهادهای مجری قانون هستند اعم از انتظامی و نیروهای مسلح با دیگر کارمندان دولتی و غیر دولتی تفکیک قابل می شد و این چنین کلی سخن نمی آورد. زیرا در کشورهای دیگر هم اگر این گونه افراد به جای اجرای قانون، خود اقدام به عمل مجرمانه می کردند با مجازات بسیار سنگین تری روبرو می شدند نه صرفا انفصال از خدمت، زیرا این امر در صورت ارتکاب جرم امری بدیهی بود.

در ماده ۵ قانون مبارزه با قاچاق انسان برای مؤسسات خصوصی مجرم، نیز ابطال پروانه مقرر شده است. بهتر بود قانون گذار ما بر روی آژانس های مسافرتی و کاریابی ها تاکید بیشتری می کرد زیرا اکثر موارد قاچاق انسان توسط این گونه مؤسسات انجام گرفته که صرف مجازات ابطال پروانه، مجازات خوبی نمی باشد؛ بلکه قانون گذار می بایست مجازات شدیدتری برای این نهادها که کودکان و زنان به آنان اعتماد می کنند در نظر می گرفت و اعمال نظارتی بر روی این گونه مؤسسات انجام می گرفت تا این مؤسسات عاملان قاچاق انسان نباشند.

در ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق انسان، قانونگذار بحث تعدد جرم را بیان می کند اگر علاوه بر جرم قاچاق انسان، جرایم دیگری هم مرتکب شده باشند علاوه بر مجازات مقرر در این قانون، به مجازات جرایم دیگری که مرتکب شده است، محکوم می شوند. در ماده ۶ بحث تعدد جرایم موضوع مواد ۴۶ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی (تعدد معنوی یا مادی) مطرح شده که هنگام صدور مجازات حسب مورد، توسط قاضی صادر کننده ی حکم مرعی می گردید.

در ماده ۷ قانون مبارزه با قاچاق انسان، در این ماده ذکر می شود هر تبعه ی ایرانی که در خارج از ایران مرتکب این جرم شود مشمول این قانون می شود نقص این ماده این است که باید ذکر می شد حتی اگر افرادی غیر از اتباع ایران به قاچاق اتباع ایرانی دست بزنند تحت شمول این قانونند و هر زمان که امکان آن حاصل شود مورد تعقیب و مجازاتند همان طور که در مواد ۶ و ۷ و ۸ و ۹ قانون مجازات اسلامی ذکر شده اتباع خارجی اگر مرتکب



جرم شوند طبق قانون جزایی ایران مجازات می شوند و همان گونه که ایرانی که در خارج از ایران مرتکب جرم شود بر اساس قانون مجازات اسلامی ایران مجازات می کند؛ حتی در ماده ی ۸ عنوان می کند در مورد جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهده بین المللی مرتکب در هر کشوری که به دست آید، محاکمه می شود اگر در ایران دستگیر شد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد. بنابراین؛ جای افراد غیر از اتباع ایران که به قاچاق اتباع ایرانی دست می زنند خالی است و باید در مورد آنان هم مجازات تعیین می کرد بدین صورت که دولت ایران تعهد خودش را نسبت به حفاظت از شهروندانش به طور کامل تری نشان می داد. ولی در این ماده نکته ی مثبتی دیده می شود و آن این است که ابعاد فراملی این جرم بسیار زیاد است و در واقع گسترش صلاحیت دولت درباره ی افرادی که مرتکب این جرم می شوند حتی اگر خارج از مرزها باشد نیروی مثبت بازدارنده ای تلقی می شود.

ماده ۸ قانون مبارزه با قاچاق انسان اختصاص به ضبط اشیاء و وسایل نقلیه (زمینی، دریایی، هوایی) حامل قاچاق انسان به نحو مشروط دارد بدین لحاظ که بایستی تمامی اشیاء و وسایط نقلیه از جانب مالک یا متصدی آن، عالما و عامدا به امر قاچاق انسان اختصاص داده شده باشد که استعمال واژه ی "اختصاص" تکرار و عادات را می رساند و الا چنان چه حامل وسیله ی نقلیه ی مالک یا متصدی و یا مستاجر آن نبوده بلکه رابطه ی قرارداد خدمت یا مالک داشته و از اهداف مالک یا موجد نسبت به حمل انسان ها به خارج از کشور (اساسا دختران جوان و زنان مهاجر) بی اطلاع بوده و با این که شیء یا وسیله ی نقلیه اختصاص به امر قاچاق انسان نداشته باشند (به تشخیص دادگاه انقلاب) موضوع از شمول ماده ی مذکور خارج خواهد بود . چنان چه مرتکب قاچاق انسان و کالا و مواد مخدر بالغ کمتر از هیجده سال تمام باشد؛ دادگاه صالح به رسیدگی، دادگاه اطفال می باشد. (ماده ی ۲۱۹ و تبصره ی ذیل ماده ی ۲۲۰ ق.ا.د.ک ناسخ ماده ی پنج قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب). در ماده ی ۸ قانون مبارزه با قاچاق انسان آمده است؛ همه اموال اختصاص داده شده به قاچاق انسان ضبط خواهد شد. در این مورد می توان گفت در جرم قاچاق انسان سود سرشاری نصیب مرتکبین می شود بنابراین، نباید فقط اموال اختصاص یافته به قاچاق ضبط می شد قانون گذار برای جلوگیری از ارتکاب جرم قاچاقچیان، تمام اموال و وسایل مرتکبین را ضبط می کرد بر این اساس، هم نیروی بازدارندگی نیرومندتری واقع می شد و هم قاچاقچیان با پی بردن به این مجازات از ارتکاب جرم منصرف می شدند چون تمامی اموالشان ضبط می شد.

۵. کاستی ها و نواقص قانون مبارزه با قاچاق انسان

با توجه به همت قانون گذار ایران در جهت پر کردن خلاء قانونی در امر جرم قاچاق انسان و تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳، لذا کاستی ها و نواقصی در این قانون به چشم می خورد که به مهم ترین موارد آن اشاره می نمایم: در این قانون به حمایت از قربانیان قاچاق انسان نپرداخته است، زیرا بسیاری از قربانیان از ترس اتهام و مجازات، خود را به مقامات مسئول معرفی نمی نمایند و از طرفی هم به دلیل ترسی که از قاچاقچیان دارند از همکاری برای دستگیری و تعقیب کیفری آنان خودداری می ورزند. برخی از قربانیان به دلیل ترس از پذیرفته نشدن و مورد حمایت قرار نگرفتن از بازگشت به ایران خودداری می ورزند؛ بنابراین جا داشت که در این قانون، قانون گذار به این نکته می پرداخت تا قربانیان اطلاع پیدا کنند که دولت از آنان حمایت می کند. ولی قربانیان به دلیل الف- عبور غیرقانونی از مرز ب- انجام کارها و اعمال خلاف شئون در خارج و دیگر ج- اعمالی که در نتیجه ی فریب خوردن و قربانی شدن انجام داده اند، می ترسند که به وطن برگردند که در این جا قانون گذار باید ذکر می کرد آنان مورد حمایتند و مسئولیت کیفری نخواهند داشت. نقص دوم برمی گردد به این که در این قانون باید نمایندگی های ایران در خارج از کشور شامل کنسول گری ها و سفارت خانه ها و نمایندگی های فرهنگی ملزم می شدند تا به بازگشت قربانیان و حتی هنگام مراجعه ی هر یک از قربانیان قاچاق انسان به کمک آنان بشتابند و هر چه زودتر امکان بازگشت به وطن را فراهم می ساختند.

۶. رفع خلاء عنوان مجرمانه ی قاچاق انسان در ایران



به هر حال ایران از امضای پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص (پارامو ۲۰۰۰) بدون هیچ گونه توجیه روشنی خودداری ورزیده و صرفاً به اسناد اولیه مربوط به سرکوب قاچاق زنان ملزم می باشد. ایران حتی کنوانسیون ۱۹۷۹ رفع همه ی اشکال تبعیض علیه زنان را نیز امضاء ننموده پس عملاً هیچ تعهد بین المللی برای مبارزه با خشونت علیه زنان از جمله قاچاق آنان براساس ماده ی ۶ آن سند ندارد. لذا در قوانین داخلی در فقدان عنوان مجرمانه ی قاچاق انسان، تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ گام بزرگی در جهت خلاءهای قانونی موجود می باشد که می تواند در جهت از بین بردن برخی معضلات و مشکلات کنونی و آینده در این خصوص باشد.

۷. نتیجه گیری

در مجامع بین المللی اولین سند بین المللی برای مقابله با قاچاق زنان، مقاوله نامه ی ۱۸ می ۱۹۰۴ میلادی می باشد که برای مبارزه با خرید و فروش سفیدپوستان تصویب شد. شش سال بعد یعنی سال ۱۹۱۰ میلادی قرار داد بین المللی دیگری برای رفع نواقص قرارداد قبلی وضع گردید. قرارداد ۳۰ سپتامبر سال ۱۹۲۱ میلادی به قراردادهای سابق ضمیمه شد. دو نکته مهم در این قرارداد وجود دارد: اول این که اکثر کشورهای مستقل جهان از جمله ایران این قرارداد را امضا کردند و دیگر این که در این سند، دیگر اشاره ای به زنان سفیدپوست نشده است. دوازده سال بعد یعنی ۱۱ اکتبر سال ۱۹۳۳ سند جدیدی مورد تصویب دولت ها قرار گرفت. سرانجام معاهده مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی و پروتکل های ضمیمه آن، در سال ۲۰۰۰ میلادی تدوین شد و به امضای حدود ۱۳۲ کشور رسید، اما تاکنون فقط در ۳ کشور تصویب شده است. این معاهده تنها زمانی قدرت اجرایی خواهد یافت که حداقل در ۴۰ کشور تصویب شود. ایران اسناد ۱۹۰۴ - ۱۹۱۰ - ۱۹۲۱ و ۱۹۳۳ را امضا و تصویب کرد ولی اجرا نشد. سال ۱۳۸۳ به پیشنهاد وزارت امور خارجه دولت لایحه ای تحت عنوان "مبارزه با قاچاق انسان" تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد. لایحه دولت با قید دو فوریت تقدیم مجلس شده بود و در نشست علنی ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۳، دو فوریت آن را از تصویب گذراندند. ایران کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی را به امضا رسانده است. این پروتکل از جمله پروتکل های الحاقی به کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی است.

مراجع

۱. زراعت، عباس، حقوق جزای اختصاصی (۱) جرایم علیه اشخاص، انتشارات فکر سازان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲. میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین الملل (مجموعه مقالات)، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۷.
- ۳- بوسار، آندره، بزهکاری بین المللی، ترجمه نگار رخشانی، تهران، کتابخانه ی گنج دانش، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۵.
۴. طوسی، ابوجعفر، الخلاف فی مسائل الحلال و الحرام، قم، دارالکتب العلمیه، جلد سوم.
۵. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۴۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
۶. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، تهران، ناشر و مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ یازدهم، بهار ۱۳۸۴.
۷. اشتري، بهناز، قاچاق زنان و بردگی معاصر، تهران، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۵.
۸. گلان، گرهارد فن، حقوق میان ملت ها، درآمدی بر حقوق بین الملل عمومی، جلد اول، ترجمه سید داود آقایی، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ هشتم، ۱۳۷۶.
۱۰. ملا علی، آرش، برده داری نوین، تهران، انتشارات نزهت، چاپ اول، بهار ۱۳۸۶.
۱۱. راستین، منصور، از بردگی تا آزادی، تهران، کتابخانه ی ابن سینا، ۱۳۴۵.